

درس 1 «هستی و چیستی»

نسبت دو مفهوم «هستی و چیستی»

1- یکی از مسائل «اولیه فلسفه» است.

2- از پرکار بردترین مفاهیم میان انسان هاست

3- معمولاً در کنار هم به کار می روند

هستی ← وجود چیستی ← ماهیت

مثال: درخت وجود دارد کوه وجود دارد سنگ وجود دارد

درخت، کوه، سنگ ← موضوع (ماهیت و چیستی)

وجود دارد ← محمول (هستی)

برای شناخت نسبت بین مفهوم «هستی و چیستی» چهار قدم بر می داریم

قدم اول: هر یک از ما با دقت در زندگی خویش متوجه می شویم (همواره در اطرافمان «چیزهایی» را یافته و به حسب نیاز از آن ها استفاده کرده ایم.

از این متن سه نکته فلسفی برداشت می شود:

1- اصل «واقعیت مستقل از ذهن» یا اصل «واقعیتی هست» ← در عالم خارج واقعیت هایی وجود دارد و خیالی نیستند. واقعیت ← رئالیسم

با توجه به این اصل باید گفت:

الف- اصل پذیرش واقعیت یک اصل بدیهی و روشن است

ب- همگان این اصل را قبول دارند، زیرا همه مردم در این مورد رفتاری مشابه دارند

ج- همه مردم این پذیرش را مبنای عمل خود قرار می دهند و از اشیای پیرامون خود استفاده می کنند

2- واقعیت های خارجی قابل شناخت هستند «امکان شناخت و معرفت».

مثلاً: این آب است و من با خوردن آن سیراب می شوم یا این غذا است با خوردن آن رفع گرسنگی می کند.

بنابر این: ما انسان هایی هستیم که می دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما وجود دارند و می توانیم به آن ها علم پیدا کنیم.

سوال قدم نخست:

1- از عبارت های زیر چه پیام های فلسفی برداشت می شود؟

الف- «ما همواره در اطرافمان چیزهایی را یافته ایم و بر حسب نیاز از آن ها استفاده کرده ایم»

ب- «گاه ما چیزی را واقعی و موجود پنداشته ایم اما اندکی بعد به اشتباه خود پی برده ایم»

پاسخ: 1- 2- 3-

سوال؟

رفتار طبیعی و معمولی انسان ها در بر دارنده چه پیام فلسفی است؟

پاسخ— نشان دهنده پذیرش اصل «واقعیت مستقل از ذهن» و عمل بر اساس آن

یعنی خارج از ذهن در دنیای اطراف من واقعیت هایی وجود دارد؛ مثلا آب واقعیت دارد و من با نوشیدن آن سیراب می شوم.

قدم دوم:

ما گاهی با اشاره به چیز های اطراف خود، با استفاده از کلمه «این» و «آن» از چه چیز بودنشان سوال می کنیم؛ مفهوم این سوالات آن است که «می دانم چیزی هست اما نمی دانم چیست»

توضیح: بعد از «قبول واقعیات» به این نکته می رسیم که این واقعیت یک واقعیت یکسان نیست بلکه واقعیات متفاوتی در عالم هست؛ یعنی چیستی این واقعیت با چیستی واقعیت دوم و چیستی آن با واقعیت سوم متفاوت است و واقعیت های زیادی است که دارای چیستی های مختلف هستند و خود ما هم چیستی متفاوت با سایر اشیا داریم.

اشیایی پیرامون ما هستند ← چیستی و خاصیت آن ها را تشخیص می دهیم ← متناسب با چیستی و خاصیتی که دارند از آن ها استفاده می کنیم

نکته مهم: یعنی موجودات ویژگی های مخصوص به خود دارند که آن ها را از سایر موجودات متفاوت و متمایز می سازد.

این ویژگی های مخصوص را در منطق «ذاتیات» می نامند. به عبارت دیگر ماهیت و چیستی هر شیء بیان گر ذاتیات آن شیء است.

مثلا: انسان=حیوان ناطق حیوان ناطق بودن که ذاتی انسان است و انسان بدون آن قابل تصور نیست

پس:

هر چیزی که مشاهده می کنیم دو حیثیت در آن می یابیم 1- موجود بودن 2- چیستی داشتن

«وجود» وجه مشترک موجودات و «ماهیت» وجه اختصاصی آن هاست.

سوال؟

واقعیت های عالم خارج از ذهن ما (اشیای اطرافمان) دارای چند حیثیت هستند و کدام یک وجه اختصاصی و کدام یک وجه مشترک آن هاست؟

پاسخ:.....

سوال؟

در قضایای : «درخت وجود دارد»، «سنگ وجود دارد»، «کوه وجود دارد»، وجه اشتراک و وجه اختصاصی را مشخص کنید.

پاسخ:.....

www.my-dars.ir

سوال؟

هر گاه سوال شود «این چیست؟» و پاسخ داده شود «سنگ»، پاسخ ما اشاره به چه حیثیتی دارد؟

پاسخ:.....

قدم سوم:

در قدم سوم بحث در رابطه با «تمایز و مغایرت وجود با ماهیت» است و تأمل فارابی و ابن سینا در این زمینه

نکته :

اولین فیلسوف مسلمان که به تمایز وجود با ماهیت اشاره کرد، «فارابی» مؤسس فلسفه اسلامی بود و پس از او ابن سینا راه او را ادامه داد.

در مورد واقعیت های مختلف مثل «درخت»، هستی و چیستی دو جنبه مختلف آن است. حال مفهوم این عبارت چیست؟ یعنی ما در عالم خارج وقتی درختی را مشاهده می کنیم دو مصداق مختلف یا دو موجود مختلف می یابیم، یکی هستی و یکی چیستی؟

ابن سینا در رابطه با این مسئله این گونه بیان می کند که: وقتی می گوئیم «هستی» و «چیستی» دو جنبه از یک چیزند، به این معنا نیست که آن ها دو جز از یک چیزند که با هم ترکیب شده اند، بلکه تفاوت این دو فقط در «ذهن» و از جهت «مفهوم» است و الا در خارج دو چیز جداگانه به نام «وجود» و «درخت» نداریم .

نکته مهم - درخت و وجود، دو مفهوم مختلف اند از یک موجود واحد

یعنی: وجود داشتن را از همین موجود به دست آورده ایم.

توضیح: وقتی ما در بوستان (عالم خارج از ذهن) درختی را می بینیم پی به وجودش می بریم و بعد در ذهن در قالب یک قضیه منطقی وجود را بر درخت حمل می کنیم و می گوئیم: «درخت وجود دارد». وجود غیر از درخت است اما این تفاوت از نظر مفهوم و در ذهن است و از نظر مصداق و در عالم خارج ، یک چیز بیشتر نیست.

سوال؟

وقتی ابن سینا می گوید «چیستی» و «هستی» دو جنبه از یک چیزند، به چه معناست؟

پاسخ:.....

نکته : مفاهیم ذهنی گاهی مصداق خارجی دارند و گاهی ندارند

تکمیل گزاره ها صفحه 4

1- اطراف ما اشیا فراوانی هستند که هم «چیستی دارند و هم «هستی». مانند: گل، کوه ...

(هم مطمئن به هستی و هم چیستی)

2- از هستی برخی امور خبر داریم اما چیستی آن ها هنوز چندان برای ما روشن نیست مانند : خداوند، روح، نور ، جاذبه

فقط مطمئن به هستی

3- برخی چیستی ها را می توانیم در «در ذهن خود حاضر کنیم» اما می دانیم که تا کنون وجود ندارند.

مانند: غول، قفتوس، دریای جیوه، غول

هم مطمئن به چیستی و هم مطمئن به عدم هستی تا کنون

www.my-dars.ir

تفکر:

به نظر شما اگر چیستی با هستی تفاوتی نداشت، لازم نبود که با فرض چیستی ، هستی هم پیدا کنند؟ مثل غول پس چرا در ذهن می توانیم غول (ماهیت یا چیستی) ، تصور کنیم اما در عالم خارج از ذهن غول نیست؟

این مطلب کدام اصل فلسفی را یاد آور می شود؟

تفکر:

در باره برخی از ماهیت‌ها می‌توانیم وجود را سلب کنیم. مثلاً در باغچه من، «گل» هم می‌تواند باشد هم نباشد. به نظر شما اگر وجود «عین ماهیت، یعنی خود ماهیت و یا جزئی از ماهیت بود، می‌توانستیم بگوئیم نیست؟ مانند مثال غول، تناقض نبود؟ یعنی هم باشد و هم نباشد

تذکر: اگر وجود و ماهیت یکی بود نفی وجود از ماهیت ممکن نبود.

تفکر:

اگر هر ماهیتی به معنای وجود بود، پس وقتی تکرارش می‌کردیم باید معنای وجود می‌داد. مثلاً در قضیه «کوه کوه است»، کوه که موضوع یا ماهیت است وقتی به عنوان محمول تکرار شده معنای وجود دارد؟ یعنی معنی جمله این است که کوه وجود دارد یا اینکه ماهیت آن کوه است و چیز دیگری نیست؟

سوال؟

به نظر شما هر کدام از تفکرات ذکر شده مبین کدام اصل فلسفی است؟

پاسخ درست شما باید این باشد— «اصل مغایرت وجود با ماهیت» یا نام دیگر این اصل این است— «زیلدت وجود بر ماهیت در ذهن» یا «عروض وجود بر ماهیت»

توجه زیادت وجود با ماهیت در ذهن است نه در عین و خارج و این بدان معناست که از نظر مفهوم متفاوت هستند نه مصداق

قدم چهارم:

یک مقدمه برای ادامه درس:

اگر به شما گفته شود «مثلث چیست» از میان مفاهیم (شکل- زاویه- سه ضلع- 180 درجه) کدام‌ها باید در تعریف آن استفاده شود؟

بله

شما در تعریف مثلث می‌گویید «شکل سه ضلعی» و مثلث بدون این مفاهیم تعریف نمی‌شود، این مفاهیم که سازنده مثلث هستند، ذاتی «مفاهیم درونی و سازنده» مثلث نامیده می‌شوند.

در تعریف انسان از میان مفاهیم (زیبا- حیوان- بلند قامت- ناطق- سفید) کدام ذاتی انسان است و در تعریف انسان کاربرد دارد؟

بله «حیوان ناطق»

یعنی مفهوم انسان و حیوان ناطق یکی است

حال تفاوت دو قضیه زیر را با توجه به محمول قضایا بگویید.

در کدام قضیه 1- حمل محمول بر موضوع ضروری است؟ 2- در کدام مورد قضیه به دست آمده همیشه صادق است؟ 3- در کدام قضیه حمل محمول بر موضوع دلیل نمی‌خواهد؟ 4- در کدام مورد محمول به معنای موضوع است اما فقط گسترده تر است؟

www.my-dars.ir

الف - انسان حیوان ناطق است ب- انسان کوشا است

پاسخ:

پاسخ درست به تمام سوالات، قضیه «انسان حیوان ناطق است» می‌باشد.

اما حمل کوشا بر انسان الف- ضروری نیست- ب-همیشه صادق نیست - ج- با موضوع یعنی انسان به یک معنا نیست و د- نیاز به دلیل دارد

سوال فنی؟

به نظر شما حمل «وجود» بر انسان، در قضیه «انسان وجود دارد»، از کدام دسته است؟

پاسخ شما صحیح است مانند «انسان کوشا است»، می باشد زیرا هم ضروری نیست (چون انسان هم می تواند باشد هم نباشد اما حیوان ناطق بودن برای انسان ضروری است) ، هم به دلیل نیاز دارد و هم با انسان به یک معنا نیست.

پس دو اصطلاح جدید بیاموزیم:

1- حمل اولی ذاتی ← هر گاه مفهوم موضوع و محمول یکی باشد؛ مانند: مفهوم انسان و حیوان ناطق

2- حمل شایع صناعی ← هر گاه مفهوم محمول غیر از مفهوم موضوع باشد؛ مانند مفهوم انسان و وجود

سوال؟

آیا می توانید دو حمل اولی ذاتی و شایع صناعی دیگر مثال بزنید؟

دلایل این سینا بر مغایرت وجود با ماهیت:

ابن سینا می گوید:

1- در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است»، حمل وجود بر انسان با حمل حیوان ناطق کاملا متفاوت است. اکنون شما به خوبی دلیل آن را می دانید 😊

توضیح ابن سینا در عبارت «انسان حیوان ناطق» است :

1- محمول در تعریف انسان آمده 2- این دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند 3- حمل «ناطق» بر انسان یک حمل ضروری است 4- به دلیل نیاز ندارد یعنی نمی توانید بگویید چرا «حیوان ناطق» را بر انسان حمل کردید. فقط حیوان

ناطق از انسان «گسترده تر» است

در تعریف انسان می گوئیم حیوان ناطق

توجه کنید: حیوان ناطق ← عین انسان یا خود انسان پس ذاتی است

حیوان ← جز انسان ، پس ذاتی است

ناطق ← جز انسان، پس ذاتی است

نکته مهم: ذاتی ها نیاز به دلیل ندارند

اما:

انسان موجود است

وجود ← خارج از انسان (انسان می تواند باشد می تواند نباشد) پس ذاتی نیست و نیاز به دلیل دارد

وجود به معنای انسان نیست در تعریف انسان نیامده ذاتی انسان نیست

پس مهم:

حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله انسان، نیازمند «دلیل» است .

www.my-dars.ir

سوال؟

دلیل بر وجود « هر چیستی»، به چه صورت هایی ممکن است باشد؟

پاسخ:

ممکن است «حسی و تجربی» باشد مثل «گل وجود دارد»، که در عالم خارج می بینیم و ممکن است «عقلی محض» باشد مانند دلیل بر وجود خداوند

سوال؟

در گزاره های زیر حمل کدام یک از محمول ها به موضوع نیازمند دلیل است چرا؟

- 1- انسان شیر است 2- انسان حیوان است 3- انسان مخلوق است
4- مثلث سه ضلعی است

پاسخ 1-..... 2..... 3..... 4.....

پس «هستی و وجود» به معنای «ماهیت و چیستی» نیست. اصل مغایرت وجود با ماهیت

بررسی صفحه 6

دلایل مغایرت وجود با ماهیت:

- 1- اگر وجود عین ماهیت یا جزء ماهیت بود، نفی ماهیت از وجود ممکن نبود و حال آن که می توان وجود را از ماهیت نفی کرد؛ مثلاً می توان گفت انسان نیست.
- 2- اگر وجود عین ماهیت یا جزء ماهیت بود، اثبات وجود برای هیچ ماهیتی نیازمند دلیل نبود و با تصور هر ماهیتی وجود نیز همراه آن می شد در حالی که این گونه نیست. مانند: تصور غول یا قفتوس
- 3- اگر وجود عین ماهیت یا جزء ماهیت بود تصور ماهیت منفک و جدا نمی شد و هر گاه ماهیت را تصور می کردیم، وجود نیز تصور می شد و حال آن که گاهی ماهیتی را تصور می کنیم و در آن حال توجهی به هستی یا نداشتن آن نداریم و از هستی و نیستی آن غفلت داریم.
- 4- اگر وجود عین هر ماهیتی بود، لازم می آید همه ماهیات یکی باشند، زیرا وجود، مفهوم واحدی است و اگر این مفهوم واحد عین مفهوم همه ماهیات باشد، لازم می آید همه ماهیات یک مفهوم داشته باشند.

بازبینی صفحه 6

این فعالیت بازگشتی به فعالیت تکمیل کنید است.

- 1- همه گزاره ها با بیان ابن سینا هماهنگ است و تضادی با قول او ندارد.
 - 2- گزاره دوم و سوم با روشنی بیشتری تمایز وجود با ماهیت را می رساند زیرا در گزاره دوم این نکته آمده که هستی برخی از امور را می شناسیم اما ماهیت آن روشن نشده است. در گزاره سوم نیز گفته شده ما می توانیم ماهیاتی را در ذهن بیاوریم در صورتی که ممکن است اصلاً وجود نداشته باشند.
- در گزاره اول سخنی از تمایز میان وجود و ماهیت نیست و فقط گفته شده که ما از اشیای پیرامون خود دو مفهوم چیستی را به دست آورده ایم.

سیر تاریخی مسئله «مغایرت وجود با ماهیت» ↓

1- از دوره « یونان باستان مطرح بوده و ارسطو در کتاب «مابعد الطبیعه» وجود را از ماهیت جدا می کند.

2- فارابی مؤسس فلسفه اسلامی به آن «توجه ویژه» داشته است.

3- ابن سینا در باره آن بیان دقیق دارد به گونه ای که :

الف- مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت

ب- یکی از اساسی ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی قرار گرفت

ج- پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا یعنی برهان «وجوب و امکان» قرار گرفت

د- این بحث پایه و مقدمه بحث «اصالت وجود» نیز می باشد.

4- از فیلسوفان اروپا «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن سینا آشنا بود :

الف- این نظر را در اروپا گسترش داد

ب- این اصل را مانند ابن سینا پایه برهان خداشناسی خود قرار داد و پایه گذار فلسفه «توماسی یا تومیسیم» در اروپا شد.

5- آلبرت کبیر و راجر بیکن نیز نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند.

سوالات:

1- کدام فلاسفه از میان فلاسفه یونان ، مسلمان و اروپا به مسئله «مغایرت وجود با ماهیت» توجه داشته اند؟

پاسخ:.....

2- ابن سینا اصل مغایرت وجود با ماهیت را پایه کدام برهان خود و در اثبات چه چیزی قرار داده است؟

پاسخ:.....

3- کدام فیلسوف اروپایی نظر ابن سینا را در رابطه با اصل «مغایرت وجود با ماهیت» در اروپا گسترش داد و پایه گذار چه فلسفه ای شد؟

پاسخ:.....

4-توماس آکوئیناس کدام اصل را مبنای برهان های خود در خدا شناسی قرار داد و متأثر از کدام فیلسوف مسلمان بود؟

پاسخ:.....

5-کدام فلاسفه اروپایی نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند؟

پاسخ:.....

تاثیر دیدگاه ابن سینا بر فلاسفه غرب و مسلمان:

توضیح:

فلاسفه غرب ↓

نتیجه آشنایی فلاسفه اروپایی با دیدگاه های «ابن سینا» و تا حدودی «ابن رشد» در قرون وسطی تا رنسانس ، فرصتی فراهم آورد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد «مجدداً» با فلسفه ارسطویی آشنا شوند. (تغییر نگرش با مطالعه آثار ابن سینا و ابن رشد در رابطه با فلسفه ارسطو)

فلاسفه مسلمان ↓

ابن نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه گفتگو های مهم فلسفی فراهم شد که تا عصر ملا صدرا و تا امروز هم ادامه یافته است

6- آشنایی مجدد فلاسفه غرب با فلسفه ارسطو چگونه بود؟

پاسخ:.....

7- چه عاملی باعث شکل گیری فلسفه های حس گرا و تجربه گرا شد؟

پاسخ: رشد تجربه گرایی در غرب

فعالیت به کار ببندیم صفحه 7

1- قضیه انسان موجود است ، با قضیه انسان مخلوق است، مشابه است؛ زیرا هم مخلوق و هم موجود از ذاتیات انسان نیست و حمل آن بر انسان نیازمند دلیل است. اما بشر و حیوان ذاتی انسان است و دلیل نمی خواهد.

2- یعنی انسان میان وجود و ماهیت تمایز قایل می شود یعنی با اینکه می داند موجودی هست اما نمی داند چیست.

3-

← حمل حیوان بر انسان ذاتی است و دلیل نمی خواهد

← حمل ناطق بر انسان ذاتی است و دلیل نمی خواهد

← حمل شیر بر انسان ممتنع است زیرا نه به لحاظ مفهومی جز مفهوم انسان است و نه به لحاظ خارج ، انسان و شیر یکی است

← حمل مخلوق بر انسان ذاتی نیست و دلیل می خواهد که دلیل آن از طریق عقل به دست می آید.

← حمل موجود بر انسان نیز ذاتی نیست و دلیل می خواهد که از طریق مشاهده و تجربه به دست می آید.

4- خیر زیرا سه ضلعی ذاتی مثلث است

سوالات تست

1- کدامیک از میانی حکمت مشاء از مباحثی است که حکمای مشا به طور مفصل در باره آن بحث کرده اند؟

1- مغایرت وجود و ماهیت 2- اصل واقعیتهی هست

3- مواد قضایا 4- تقسیم وجود

2- با دقت و تأمل در قضایای مانند، «کوه هست» و «آسمان هست»، متوجه می شویم که.....

1- محمول تمام قضایا قطعا بر موضوع آن صدق می کند

2- واقعیت صرف نظر از ماهیتی که دارد، اصالت دارد

3- ما از درک خویش نسبت به واقعیات جهان قضایایی با موضوعات مختلف و محمول یگانه ساخته ایم

4- واقعیت را به شیوه منطقی در قالب قضایایی قرار می دهیم که دارای سه جزء است

3- در قضایای منطقی آن چه «موضوع» و «محمول» قرار می گیرد به ترتیب چیست و بین آنها چه رابطه ای حاکم است؟

1- ماهیت- وجود - مغایرت 2- وجود- ماهیت- مغایرت

3- ماهیت - وجود- عینیت 4- وجود - ماهیت- عینیت

4- هر واقعیت یگانه در جهان، در چه صورتی در ذهن ما به دو بخش تقسیم می شود؟

1- وقتی به واقعیت آن شی اذعان می کنیم

2- وقتی موضوع ادراک و شناخت ما قرار می گیرد

3- وقتی مفاهیم ذهنی را در قالب یک قضیه منطقی قرار می دهیم

4- وقتی در یک قضیه منطقی یک جز بر جز دیگر حمل می شود

5- ذهن انسان با اتصال دو بخش ذهنی وجود و ماهیت در قالب یک قضیه منطقی ، به چه نتیجه ای می رسد؟

1- آن دو بخش ذهنی را از هم جدا می کند

2- واقعیت را موضوع شناسایی خود قرار می دهد

3- واقعیت آن شی را تصدیق می کند

4- آن دو بخش ذهنی را متصل به یکدیگر می بیند

6- «واقعیت واحد» و «مفاهیم متعدد» به ترتیب به کدام یک از موارد زیر صدق می کند؟

1- وجود- ماهیت 2- ماهیت- انسان 3- انسان – حیوان 4- جوهر- انسان

7- ما از ادراکات خویش نسبت به واقعیت های جهان قضایایی می سازیم که مرکب از

1- موضوعات مختلف و محمولی یگانه است

2- موضوعات و محمول یگانه

3- موضوعات یکسان و محمولی مختلف

4- ماهیات یکسان و محمولی متفاوت

8- ماهیت و وجود اشیا در..... از هم جداست و این یعنی.....که ازناشی می شود.(سراسری 91)

1- واقعیت- مغایرت مفهوم آنها- اصالت وجود

2- ذهن- مغایرت مفهوم آن دو- قوه انتزاع

3- ذهن- اعتباری بودن ماهیت- اصالت وجود

4- واقعیت- مغایرت آن دو- اصالت یکی و اعتباری بودن دیگری

9- کدام گزینه در مورد مغایرت وجود با ماهیت صحیح است؟(سراسری 66)

1- وجود در خارج عارض بر ماهیت است

2- وجود در ذهن مغایر ماهیت نیست

3- وجود و ماهیت در ذهن مغایر یکدیگرند

4- وجود و ماهیت در خارج دو چیزند

10- در قضیه «دماوند موجود است» ، تصور ما از موضوع عین تصور ما از محمول آن نیست، مؤید کدام مسئله فلسفی است؟
(سراسری 75)

1- اصالت وجود و اعتباریت ماهیت

2- مواد ثلاث در قضایا

3- مغایرت عین و ذهن

4- جدا بودن وجود با ماهیت

11- «عینیت مفهوم وجود و ماهیت»، «زیادت وجود بر ماهیت» و «مغایرت وجود با ماهیت» به ترتیب، موصوف به چه
وصفی می شود؟ (سراسری 90)

1- مقبول- مردود- مقبول

2- مردود- مقبول- مقبول

3- مقبول- مقبول- مردود

4- مردود- مقبول- مردود

12- با توجه به اینکه فهم ما از قضیه «انسان انسان است» با قضیه «انسان موجود است»، یکسان نیست، کدام نتیجه گیری
فلسفی صحیح است؟ (سراسری 80)

1- مغایرت وجود با ماهیت در خارج

2- زیادت وجود بر ماهیت در ذهن

3- تلازم وجود با ماهیت در ذهن

4- تقدم وجود بر ماهیت در خارج

13- با توجه به اینکه «تصور هر ماهیتی برای اثبات وجود آن ماهیت کافی نیست»، کدام مسئله و اصل فلسفی استفاده می
شود؟ (سراسری 76)

1- اشتراک لفظی مفهوم ماهیت

2- بداهت مفهوم وجود

3- زیادت مفهوم وجود بر ماهیت در ذهن

4- مغایرت وجود با ماهیت در عین

14- با فرض اینکه مفهوم وجود جزء مفهوم ماهیت باشد کدام عبارت درست خواهد بود؟ (سراسری 94)

1- امور خیالی واقعا وجود خواهند داشت

2- ماهیات مبهم و ناشناخته خواهند بود

3- هیچ چیزی واقعا وجود نخواهد داشت

4- همه ماهیات عین یکدیگر خواهند بود

پاسخنامه

1- گزینه یک 2- گزینه سه 3- گزینه یک 4- گزینه چهار 5- گزینه سه 6- گزینه یک 7- گزینه یک 8- گزینه دو 9-
گزینه 3 10- گزینه چهار 11- گزینه دو 12- گزینه دو 13- گزینه سه 14- گزینه یک

موسسه دای دروس
گروه آموزشی عصر

www.madrasa.com